

روز قیامت

یکشنبه ۱۰تیر۱۴۰۳

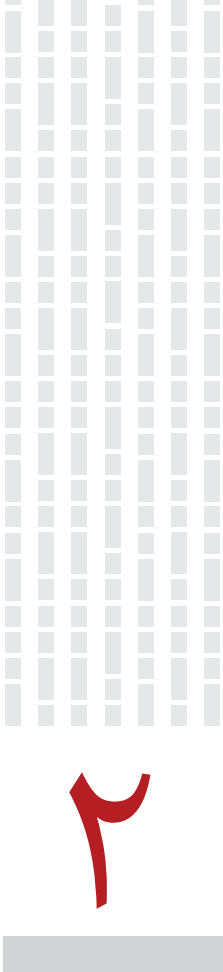
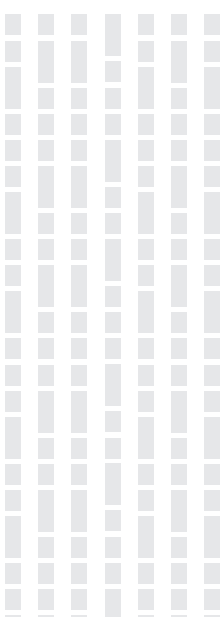
شمارهٔ ۴۱۷۳

شمارهٔ ۴۱۷۳

شمارهٔ ۴۱۷۳

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



چرا نظرسنجی‌ها در انتخابات چهاردهم کار نکرد؟

جامعه دوم را ندیدند

ذی نفع بودن برخی از این مراکز از نتیجه‌ای که منتشر می‌شود منجر شد تا برآوردها ناخالصی داشته و با میزان واقعی آن فاصله جدی داشته باشد.

زهرا طیبی

خبرنگارگروه نقد روز

انتخابات ریاست جمهوری تیرماه هم توانست دومینوی مشارکت ۴۰ درصدی را متوقف کند. بعد از مشارکت ۴۸ درصدی ۱۴۰۰، مشارکت ۴۲ درصدی انتخابات ۹۸ و مشارکت ۴۰ درصدی انتخابات اسفند، مرحله اول انتخابات تیرماه هم با مشارکت ۴۰درصدی برگزار شد تا نگرانی درباره میزان مشارکت تبدیل به چالشی جدی شود که اگر برای جبران آن کنشی صورت نگبرد، ممکن است همین سیر نزولی ادامه پیدا کند و حتی مشارکت به کمتر از ۴۰ درصد هم برسد. نکته عجیب درباره انتخابات این دوره، آماری است که مراکز نظرسنجی از میزان مشارکت منتشر کردند. در این دوره حتی مراکز نظرسنجی معتبر که تقریبا میزان و نتیجه انتخابات ۱۴۰۰ را درست پیش بینی کرده بودند هم نتوانستند برآورد درستی از میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری داشته باشند و بعضی از آنها خطای ۱۴ درصدی در پیش‌بینی میزان مشارکت داشتند. این خطای مشترک درست زمانی اتفاق افتاد که به خاطر زمان کم و ویژه برگزاری انتخابات، تمرکز و توجه بیشتری به آماری که نظرسنجی‌ها منتشر می‌کردند معطوف شده بود.

مراکز نظرسنجی مشارکت را بالای ۵۰ تخمین زده بودند

مرکز افکارسنجی ایسپا در آخرین افکارسنجی میزان مشارکت ۵۱ را درصد، و میزان رای پزشکیان را ۳۳ در صد، سعید جلیلی را ۲۸ درصد و محمدباقر قالیباف را ۱۹درصد پیش‌بینی کرده بود. مرکز افکارسنجی شناخت هم در آخرین پیمایش در تاریخ ۵ تیرماه میزان قطعی مشارکت را ۵۴ درصد اعلام کرده بود. این مرکز افکارسنجی میزان رای مسعود پزشکیان را ۳۰ درصد، مسعود جلیلی را ۲۱ درصد و محمدباقر قالیباف را ۲۰ درصد تخمین زده بود. نظرسنجی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (متا) هم میزان مشارکت را ۵۲ درصد تخمین زده بود و میزان رای مسعود پزشکیان را ۳۲ در صد، سعید جلیلی را ۳۰ درصد و محمدباقر قالیباف را ۲۵ درصد تخمین زد بود. مرکز پژوهش‌های مجلس هم در آخرین نظرسنجی میزان مشارکت را ۴۸ درصد تخمین زده بود. اما نهایتا میزان واقعی مشارکت ۴۰ درصد و مسعود پزشکیان ۴۲ درصد، سعید جلیلی ۳۸ درصد و محمدباقر قالیباف ۱۳درصد آرا را به خود اختصاص دادند. درواقع با نگاه به نتیجه مرکز نظرسنجی به ترتیب مرکز ایسپا خطای ۱۱ درصدی در تخمین میزان مشارکت، مرکز شناخت خطای ۱۴ درصدی، مرکز متا خطای ۱۲ درصد و مرکز پژوهش‌ها خطای ۸ درصدی در تخمین میزان مشارکت داشتند.

ذی نفع بودن مراکز نظرسنجی در ناخالصی نتایج بی اثر نبود

انتخابات تیرماه به خاطر تعدد حوادث و فاصله زمانی کوتاه وقوع اتفاق‌ها، آنددر دچار پیچیدگی شده بود که پیش‌بینی قطعی اینکه چه کسی پیروز این رقابت‌ها خواهد بود را با چالش مواجه کرد. از این جهت شاید بتوان سرعت اتفاقات را به عنوان عاملی که درصد خطای مراکز افکارسنجی را بالای‌ا می‌برد مورد توجه قرار داد. در کنار این موارد، تنها موضوعی که مراکز افکارسنجی درست آن را پیش‌بینی کرده بودند، دومرحله‌ای بودن انتخابات و رقابت مسعود پزشکیان و سعید جلیلی در دور دوم بود. علت خطای فاحش این مراکز افکارسنجی را می‌بایست در چند موضوع جست‌وجو کرد. در میانه رقابت‌های انتخاباتی رقبا برای زیر سوال بردن نتایج برخی پیمایش‌ها به حضور افرادی که از یک نامزد خاص حمایت می‌کردند، اشاره و آنها را بی اعتبار تلقی می‌کردند. اگرچه این نقد را نمی‌توان محل استناد قرار داد و با این توجیه تمام نتیجه یک نظرسنجی را زیر سوال برد اما نمی‌توان آن را به کلی نفی کرد. تقریبا تمام مراکز افکارسنجی که نتایج آن در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد به یک سازمان یا نهاد وابستگی داشتند. در این میان اگرچه منطقی نیست که گرایشات آنها در افکارسنجی‌ها منعکس شود اما می‌شود بخشی از علل انتشار نتایج باب میل برخی نامزد‌ها را در جامعه هدف آنها جست‌وجو کرد. برای مثال مرکز افکارسنجی «پرش» که به اصلاح طلبان نزدیک است درصد مشارکت را ۵۸ درصد و میزان رای مسعود پزشکیان را ۱۴ میلیون تخمین زده بود. علت اینکه این نظرسنجی به این میزان مشارکت و آرای پزشکیان می‌رسد را می‌توان در نمونه آماری که توسط این مرکز محل جوع قرار می‌گیرد، جست‌وجو کرد.

درستایش رای دادن ایرانیان خارج از کشور

یک مساوی یک نیست

در هنر انتخابات ایرانیان داخل کشور به نزدیک‌ترین مدرسه و مسجد محله شان مراجعه می‌کنند تا رای شان را ثبت کنند و در بسیاری از شعب دوربین‌ها منتظر ایستاده‌اند تا از مردم شرکت‌کننده فیلم و تصویر بگیرند و از آنها تقدیر و تشکر کنند. قصه ایرانیان خارج از کشور بسیار متفاوت است. تعداد شعب رای حداقلی در شهرهای مختلف برخی کشورها و همچنین فعالیت‌های شبانه‌روزی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور برای نامن سازی محل‌های اخذ رای روزهای انتخابات را از روزهای سخت ایرانیان خارج از کشور کرده است.

تجمعات پرسروصدا، فحش‌های رکیک، آزارهای فیزیکی و توهین‌های جنسی تنها بخش کوچکی از تونل وحشتی است که ایرانیان خارج از کشور برای رسیدن صندوق رای باید از آن عبور کنند تا رای خود به جمهوری اسلامی ایران را به صندوق ببندازند؛ آن هم بعد از طی کردن کیلومترها مسیر برای رسیدن به شهری که در آن شعب اخذ رای وجود داشته باشد. تلاش برای کاهش مشارکت ایرانیان خارج ازکشور اولین سال نیست که اتفاق می‌افتد. اما می‌توان به طور قطع گفت‌که این تلاش دوره به دوره سخت‌تر شده است؛ تا آنچه که علاوه بر آزارهای خیابانی قرار است به شکل اینترنتی و مجازی نیز این آزارها ادامه پیدا کند. به طوری‌که به گفته برخی ایرانیان شرکت‌کننده در انتخابات، فیلمبرداری از رای‌دهندگان تلاشی است برای جنسی تنها بخش کوچکی از تونل وحشتی است که ایرانیان خارج از کشور برای رسیدن صندوق رای باید از آن عبور کنند تا رای خود به جمهوری اسلامی ایران را به صندوق ببندازند؛ آن هم بعد از طی کردن کیلومترها مسیر برای رسیدن به شهری که در آن شعب اخذ رای وجود داشته باشد. تلاش برای کاهش مشارکت ایرانیان خارج ازکشور اولین سال نیست که اتفاق می‌افتد. اما می‌توان به طور قطع گفت‌که این تلاش دوره به دوره سخت‌تر شده است؛ تا آنچه که علاوه بر آزارهای خیابانی قرار است به شکل اینترنتی و مجازی نیز این آزارها ادامه پیدا کند. به طوری‌که به گفته برخی ایرانیان شرکت‌کننده در انتخابات، فیلمبرداری از رای‌دهندگان تلاشی است برای جنسی تنها بخش کوچکی از تونل وحشتی است که ایرانیان خارج از کشور برای رسیدن صندوق رای باید از آن عبور کنند تا رای خود به جمهوری اسلامی ایران را به صندوق ببندازند؛ آن هم بعد از طی کردن کیلومتر دورتر از طریق هوش مصنوعی بتوانند با تطبیق تصویر پروفایل شان در لینک‌دین پیدایشان کنند و به محل کارشان نامه و پیام بفرستند تا مقدمات اخراج آنها را

یا تعیین‌کننده باشند که نامزدی به دور دوم برود. درنهایت آرای سرگردان روی نامزدها اثر گذاشتند اما نه با انتخاب نامزد بلکه با انصراف از شرکت در انتخابات، این چیزی بود که کمتر کسی می‌توانست، پیش‌بینی کند. نکته قابل توجه این است که اگر در گزارش مراکز افکارسنجی سهم آرای مردم و کسانی که اعلام کرده بودند ما رای می‌دهیم و هنوز کسی را انتخاب نکرده بودند، را از سبد رای حذف کنیم، برآورد اغلب مراکز افکارسنجی به این چیزی که درنهایت رخ داد، نزدیک می‌شود. مثلااگر در شناخت آن گروه را حذف کنیم، مشارکت‌مان می‌شود ۳۹٫۸ و به شکل عجیبی به این میزان نزدیک می‌شود.»

شکل حضور و انصراف برخی نامزدها به رقابت لطمه زد

محمدی معتقد است مشارکت مردها اتفاق مهمی است که می‌توان چند فرض را برای علل آن مورد توجه دانست و گفت: «این موضوع مهمی است. صرف‌نظر کردن مردها از شرکت در انتخابات می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد، اینکه چرا صرف‌نظر کردند، می‌شود فرضیه‌هایی در این رابطه مطرح کرد. یکی از فرضیه‌ها این است که صحنه رقابت‌های انتخاباتی آن‌طور نبود که هیچ نامزدی بتواند اینها را جذب کند. شکل حضور و انصراف برخی از نامزدها، مقداری به صحنه رقابت لطمه زد و روی بخشی از این افراد مرد اثر گذاشت. عدم ائتلاف یا اجتماعی که مدنظر برخی از نامزدها بود و از ابتدا قولش را داده بودند، ممکن است بر انصراف این گروه موثر بوده باشد. گروهی بعد از مطمئن شدن از اینکه انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد، ضرورت شرکت برای آنها کم می‌شود یعنی انتخابات برای آنها چیزی نیست که اگر بوییم فرصتش را از دست می‌دهیم و حالا مطمئن شدیم و معلوم است که چه کسانی به مرحله دوم می‌روند و اگر رای ندهیم هم اتفاق خاصی نمی‌افتد، بخشی از مردها به این شکل صرف‌نظر کردند.»

محسنی: سرعت تحولات امکان به‌روزسانی پیمایش‌ها را نمی‌داد

ابراهیم محسنی، استاد دانشگاه و کارشناس ارشد شرکت پژوهشگران خبره پارس معتقد است که خطای مراکز نظرسنجی نه به خاطر روش‌های برگزاری بلکه به خاطر سرعت تحولات رخ داده در کشور است و گفت: «من نتایج نظرسنجی صورت‌گرفته را اشتباه نمی‌دانم، مثلا فرآیند انتخاباتی آمریکاکه ظرف دوسال اتفاق می‌افتد، ما پس از شهادت رئیس جمهوری قصد داریم ظرف مدت سه هفته این فرآیند را جمع کنیم، به خاطر همین، فراز و نشیب‌هایی که آنجا ظرف مدت دو سال تجربه می‌کنند را ما در مدت زمان چند هفته تجربه می‌کنیم. به همین دلیل است که اگر فرد عده‌هایی روزانه از کاندیداها نداشته باشد، طبیعتا به خطا می‌افتد. اگر قرار بود براساس داده ۳۰ خرداد بگوییم که چه کسی به دور دوم می‌رود، باید می‌گفتمم آای پزشکیان و آقای قالیباف خواهند رفت، این داده برای یک هفته گذشته است. این موضوع تا تقریبا ۲ تیر ادامه پیدا می‌کند. پس از ۲ تیر است که آقای جلیلی از آقای قالیباف پیشی می‌گیرد و نفر دوم می‌شود. درمورد نرخ مشارکت، مساله این است که نرخ مشارکت سوار بر کاندیداهاست، یعنی این نیست که تصمیم به رای دادن یک موضوع باشد و یا اینکه به چه کسی قرار است رای دهم، یک موضوع دیگر باشد. افراد وقتی می‌گویند ما رای می‌دهیم که کاندیدای شان را انتخاب کرده باشند و بگویند براساس ویژگی‌هایی که مدنظر دارند، بخواهند به یک کاندیدای رای دهند. اینجا چه اتفاق مهمی افتاده است؟ اتفاقی که اگر مراکز چند روزی وقت داشتند، شاید نتایج واقعی‌تری را اعلام می‌کردند. تقریبا از اول و دوم تیرماه این انگاره در ذهن عموم جا می‌افتد که آقای قالیباف قرار است نفر سوم باشد. به همین خاطر و از همین دلیل نیز در همان زمان، دستورالعمل اجماع نیز در ذهن عموم شکل می‌گیرد. درنهایت چهارشنبه و پنجشنبه جلسات مرتبط با اجماع برگزار و اعلام می‌شود که داستان اجماع با شکست روبرو شد. اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ در اینجا کسانی که قصد داشتند به آقای قالیباف رای دهند را می‌توانیم در سه قشر تعریف کنیم؛ قشر اول قشری است که ثابت پای آقای قالیباف هستند. قشر دوم قشری بود که فرد دیگری را بر قالیباف ترجیح می‌دهند که این قشر بین دو کاندیدا بخش شدند. قشر سوم، قشری بودند که وقتی از آنها می‌پرسیدیم اگر قالیباف انصراف دهد به کدام یک از دو کاندیدای دیگر رای می‌دهید؟ پاسخ می‌داند هیچ‌کدام، یک سوم آرای آقای قالیباف از همین قشر بود. این افراد چه خصوصییتی مدنظرشان بود؟ این افراد مدعی و انقلابی تعریف نمی‌شوند.

محمدی به فاصله زیاد مشارکت واقعی با آمار نظرسنجی‌ها اشاره کرد و توضیح داد: «صرف‌نظر از اینکه مراکز مختلف ممکن است روش‌های سنجش متفاوتی داشته باشند ولی این عموما در برآورد نهایی تفاوت ایجاد نمی‌کرد و از همه مهم‌تر اینکه با مشارکت نهایی که اعلام می‌شد، تفاوت نمی‌کرد اما این دوره با این موضوع مواجه شدیم که آن چیزی که برآورد شده بود با میزان مشارکت فاصله زیادی داشت و در درجه اول هم یک شرک به فضای افکارسنجی کشور وارد کرد، مسبوq به سابقه هم نبود؛ هرچند تجربیات جهانی در این زمینه داشتیم، مثلاًدر سال ۲۰۱۶ درآمریکا هم مراکز افکارسنجی برآورد خطای بالایی درمورد آرای کلینتون داشتند. در این دوره در تمام طول تبلیغات که مراکز افکارسنجی درگیر پیش‌بینی نتایج بودند، سایه آرای سرگردان و مردها برسر انتخابات بود به شکلی که بسیاری از مراکز در نتیجه پایانی‌شان اعلام کردند مردها تعیین‌کننده‌اند (منظور افرادی که گفتند در انتخابات شرکت می‌کنند اما تصمیم نگرفته بودند که به چه کسی می‌خواهند رای دهند) تلاش‌های زیادی صورت می‌گرفت که کشف شود اینها نهایتا به چه کسی گرایش پیدا خواهند کرد و رای خواهند داد. نهایتا اعلام شد اینها بسمت به اینکه به سمت کدام نامزد متمایل شوند، ممکن است یک نامزدی را در دور اول پیروز کنند

استعدادهای کشور را استعدادهای برجسته‌ای می‌دانند و باورشان این است که مشکل کشور، سوء مدیریت است یعنی اگر مدیریت درست بر کشور حاکم باشد، یا همین استعدادها می‌توان شرایط کشور را بهبود بخشید. این افراد رویکرد شان نسبت به آقای پزشکیان این بود که او هیچ‌کدام از خصوصیت‌های یک مدیر را ندارد. آقای جلیلی مضاف بر اینکه رویکرد مدیریت ندارد، مواضع سیاسی اش هم با این قشر همخوانی ندارد. بنابراین رویکرد این قشر این بود که اگر قالیباف نباشد، به هیچ‌کدام رای نمی‌دهند. وقتی که نفر سوم تلقی می‌شود و اجماع با شکست روبرو می‌شود، این قشر دلبری نمی‌دید که برای روز جمعه رای دهد. این درصدهایی که دوستان از روز چهارشنبه و پنجشنبه اعلام شد، درصد افرادی است که کماکان تلقی می‌کردند اجماع رخ می‌دهد. چرا این نکته را می‌گوییم؟ عدد تعداد رای‌های تخمین زده شده برای آقایان پزشکیان، جلیلی و پورمحمدی زده شد؛ دقیقا با آنچه که رخ داد همخوانی دارد. مجموعه ما تقریبا همان اعداد نهایی را تخمین زده بود. تنها یک نفر از چهار کاندیدا بود که ۴٫۵ میلیون رای با آنچه که پیش‌بینی می‌شد، فاصله داشت و آن هم آقای قالیباف است. این فرض وجود دارد که این ۴٫۵ میلیون نفر به این نتیجه رسیده باشند که آقای جلیلی هیچ راهی برای دور دوم و پیروزی ندارد، از طرفی هم اجماع شکل نگرفته و همچنین آن ۲ کاندیدای دیگر را دارای خصوصیت مدیریت قوی نمی‌دانستند، درنهایت این نتیجه رخ می‌دهد.»

ن نباید به موسسات پیمایشی

به چشم جادوگرانی نگاه کرد که معجزه می‌کنند

محسنی به این موضوع اشاره کرد سرعت تحولات امکان پیش‌بینی را کمتر کرده و توضیح داد: «سرعت تحولات، مانند این است که شما با سه چرخه قصد داشته باشید با یک ماشین مسابقه‌ای رقابت کنید. قطعا نمی‌توانید. سرعت تحولات بسیار بالااست و ابزار سرعت‌شان روزانه است یعنی اتفاقی که ۱۲ شب رخ داده، شما در داده روز قبل ندارید. این اتفاق چند روز بعد خودش را نشان می‌دهد. مثلا بیانیه آقای خامنی در همان روز هیچ تأثیری بر آرای آقای پزشکیان نداشت. روز بعد هم اندک بود. پس از دو روز تأثیرش را بر افکار عمومی می‌بینم. من مشکل جدی را این می‌بینم که براساس داده روز ۶ تیر اظهارنظر کردم و نه براساس اتفاقی که باامداد ۸ تیر اتفاق افتاد. ابزار سنجش ما روزانه است در یک روز داده جمع می‌کنیم. این برای موسسه‌هایی که ظرفیت خوب دارند، برخی از مجموعه‌ها که ۳ یا ۴ روز وقت لازم دارند که در این سه روز همه داستان‌ها تغییر کرده است، مثلا تصور کنید روزجمعه اجماع رخ می‌داد، نتایجی که منتشر شده تفاوت داشت. نباید به موسسات پیمایشی به دید جادوگرانی نگاه کرد که گویی در دست دارند و همه چیز را تغییر می‌دهند. خیر، یک روش علمی است که اجزای آن چند روز زمان می‌برد. وقتی تحولات ساعتی رخ می‌دهد اینها عقب می‌مانند اما در انتخاباتی مثل مجلس نتایج همه درست بود. در این انتخابات مجلس چون براساس روال خیلی وقایع آن قابل پیش‌بینی بود. شرایط این انتخابات پیچیده و عجیب و غریب بود. مساله این نیست که روش غلط است، شرایط جوری بود که نگاه غلط بود. برآورد ما این بود که آقای پزشکیان ۱۰ میلیون و ۹۰۰ هزار رای خواهند داشت و تقریبا درست بود. برای آقای جلیلی برآورد این بود که ۱۰ میلیون و ۵۰۰ رای داشت. ولی برای آقای قالیباف ۴ میلیون فاصله داشتیم و درنظر داشته باشیم که در تحلیل‌ها وقتی می‌گوییم مشارکت پایین است یعنی اصولگراها پیروز انتخابات خواهند بود اما در پایین‌ترین میزان مشارکت، نفر اول یک اصلاح‌طلب است، چه اتفاقی افتاده است؟ اگر قرار بود براساس الگوهای قدیم مثل اسفند ۱۴۰۲این دوره را تحلیل کنیم، می‌شد گفت آقای قالیباف و جلیلی قرار است به دور دوم بروند اما برعکس می‌شوند؛ چراکه این میزان که مشارکت کردند تنها بدنه اول‌تولدولیک نیستند. یک چهارم خارج شدند، یک چهارم وارد شدند. ۴٫۵ میلیونی که می‌گفتند فقط به قالیباف رای می‌دهند در انتخابات شرکت نکردند. از آن طرف آقای پزشکیان به همین میزان به نرخ مشارکت‌کنندگان اضافه کرده است. همین میزان کاهش را از ۶ به ۷ تیرماه برای آقای جلیلی داریم و از ۲۲ درصد به ۳۲ درصد جهش می‌کند. چرا؟ به خاطر کنار کشیدن آقای قاضی‌زاده وژاکانی یکدفعه ۴ میلیون رای جابه‌جا می‌شود، اگر سنجش‌ها برای روز پنجم بود، کل اتفاقاتی که در دو روز افتاده از دست خارج می‌شد و نظرسنجی خیلی از دوستان همین‌طور است. مثلا نظرسنجی بسیج می‌گوید قالیباف و جلیلی به هم نزدیکند و شما فکر می‌کنید اشتباه می‌گویند، نه تاریخش دقیقا برای روزی است که به هم نزدیک شده‌است



مسیر برای رسیدن به شعب اخذ رای طی می‌کنند تا بعد از تونل وحشت ضدانقلاب رای شان به جمهوری اسلامی ایران را در صندوق ببندازند خدقوت جانانه‌ای گفت و از آنها به دلیل این میزان از میهن‌دوستی و وطن‌پرستی تشکر کرد.

حمله مسلحانه به مشارکت مردم

شامگاه ۹ تیرماه و تنها چند ساعت پس از اتمام زمان رای‌گیری چهاردهمین دوره ریاست جمهوری، خبری مبنی بر حمله ترسانانه مسلح به خودروی حامل صندوق رای از جکیگور راسک منتشر شد.

در ساعات ابتدایی، برخی از منابع غیررسمی از مجروحیت پنج نفر از اعضای تیم همراه خبر دادند و گفته شد که دو تن از مجروحان حادثه حال وخیمی دارند. چندی نگذشت که خبر رسید که دو سرباز مصدم به شهادت رسیدند.

کنار هم گذاشتن ماجرای فحاشی اپوزیسیون خارج از کشور به هموطنانی که قصد رای دادن داشتند و ماجرای حمله به ماشین حامل رای در راسک می‌تواند یک پیام روشن داشته باشد و آن این است که جریانی در داخل و خارج، با مشارکت در انتخاب سرنوشت کشور مخالف هستند و دقیقا رای مردم را نشانه گرفته‌اند. این جریان در خارج از کشور با فحاشی و الفاظ رکیک سعی داشت هموطن ایرانی را از رای دادن منصرف کند و یا توهین آنها را تهدید کند. اما با چه چیزی مواجه شدند؟ با این امر مواجه شدند که شناسنامه ایرانی، مسئولیتی برای برخی‌ها به همراه دارد و هنوز هم حتی با

